

**Journal of
Islamic Studies about Woman & Family
1st Year , No. 2, Spring & Summer 2020**

The Strategies for Strengthening Epistemological-Religious Foundations in Children

Soheila Naderi Joo¹

ZahraSadat Ghazizade Hashemi²

Abstract

True recognition of talents, abilities, defects, needs, physical and mental forces at different age stages are considered the very important and instrumental factors of strengthening the foundations. One of the most basic features which can help us in strengthening the foundations and religious concepts is the existence of religious orientation and desire for religious affairs in child. Religiosity is a necessity in our time and plays a crucial role in training children. What to pay attention to, and this essay follows it, is that the perception and understanding of a child of religious concepts is not the same as adults. They understand religious matters to the extent of their mental capacity and make their worldview based on it.

Keywords: intellectual foundations, principle, religious concepts

1. Second level theologian, Master of theoretical foundations of Islam.
naderi.maryam2018@gmail.com

2. Faculty Member of Azad Univercity of Mashhad. hashemi.sadat@gmail.com

راهکارهای تقویت مبانی معرفتی دینی در کودکان

سهیلا نادری جو^۱

زهراسادات قاضی زاده هاشمی^۲

۱۷۳

راهکارهای تقویت مبانی معرفتی دینی در کودکان

چکیده

شناخت صحیح استعدادها، توانایی‌ها، کاستی‌ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی، از عوامل بسیار مهم و کارساز در امر تقویت مبانی به شمار می‌آید. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها که می‌تواند در امر تقویت مبانی و مفاهیم دینی به ما کمک کند، وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است.

دین‌داری در عصر ما، نوعی ضرورت است و در تربیت کودکان نقش حیاتی دارد. آنچه باید بدان توجه داشت و این نوشته نیز در پی آن است، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می‌فهمند و بر آن اساس، جهان‌بینی خود را می‌سازند.

کلیدواژه‌ها: مبانی فکری، اصل، مفاهیم دینی، کودک.

۱. طلبه سطح دو و کارشناس ارشد مبانی نظری اسلام. (نویسنده مسئول)

naderi.maryam2018@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. hashemi.sadat@gmail.com

مقدمه

ارزش‌ها و باورهای دینی، غرایز بشر را در جهت صحیح، هدایت کرده، خواسته‌ها و تمایلات او را اصلاح کرده و انسان‌هایی برای جامعه تربیت می‌نماید که قادر به بالندگی کشورشان باشند. تربیت دینی، یعنی شکوفا کردن قوای انسان به‌طور متعادل، هماهنگ و در چارچوب ارزش‌های الهی.

بر این اساس، رشد و تثبیت باورهای دینی به‌طور اعم در جامعه و به‌طور اخص در مورد کودکان، یکی از مسائل اساسی و مهم است. نهادهای مختلفی می‌توانند بر امر درونی کردن ارزش‌های دینی نقش داشته باشند؛ ولی اهمیت خانواده در این بین بسیار زیاد است.

امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۱۷۱) (هیچ حرکتی نیست مگر اینکه انسان در به‌انجام‌رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد).

آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به‌کارگیری اصول و روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد؛ بنابراین، همان‌گونه که شناخت خصوصیات و توانایی‌های کودکان در بهینه‌سازی آموزش مفاهیم دینی، امری مسلم است، شناخت اصول و روش‌های مربوط به آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی به کودکان بدون توجه به اصول و روش‌های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق (علیه السلام) خواهد بود: «عَامِلٌ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا». (مجلسی، بی‌تا: ۲۰۶/۱) (کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می‌زند، مانند رونده در بیراهه‌ای است که هرچه سرعتش بیشتر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد).

بنابراین، آنچه باید بدان توجه داشت و این نوشته نیز در پی آن است، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگ‌سالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می‌فهمند و بر آن اساس، جهان‌بینی خود را می‌سازند. اگر آموزش

مفاهیم دینی برای دانش آموزان دوره ابتدایی به گونه‌ای حساب شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده‌ای برخوردار نمی‌شود، بلکه می‌تواند پیامدهای زیان‌باری به دنبال داشته باشد؛ از این رو، هدف اصلی این مقاله دستیابی به «راهکارهای تقویت مبانی معرفتی دینی در کودکان»، با مروری بر آیات و روایات اسلامی، نظر دانشمندان تعلیم و تربیت و نیز اندیشمندان اسلامی است.

۱- مبانی معرفتی دینی

مقصود از دین در این پژوهش، دین اسلام است؛ نه مطلق دین و نه هرگونه معرفتی که منشأ الهی و شهودی دارد. بر این اساس، محتوای دین اسلام به سه بخش تقسیم می‌شود: اعتقادات، اخلاق و احکام (قوانین). منظور از تقویت مبانی معرفتی دینی، همان مفاهیم اعتقادی دین اسلام است؛ زیرا مفاهیم اعتقادی که بنا بر عقیده تشیع عبارت است از توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت، در حقیقت، پایه و اساس معارف اسلامی را تشکیل می‌دهند.

شناخت صحیح استعدادها، توانایی‌ها، کاستی‌ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز در امر تقویت مبانی به شمار می‌آید. نخستین ویژگی کودکان این است که نوآموز است و از هر حیث با نوجوان تفاوت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی و شناسایی بخش‌هایی از توانش‌های شناختی کودکان خواهیم پرداخت که ارتباط بیشتری با آموزش‌پذیری مفاهیم دینی این دوره دارد. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها که می‌تواند در امر تقویت مبانی و مفاهیم دینی به ما کمک کند، وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودکان است.

ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، اموری است که با سرشت اولیه و دست‌نخورده کودکان و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه‌مندی کودکان به دین و خدا اکتسابی نیست؛ بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می‌رسد. کودکان، فطرتی خدا آشنا دارد و تربیت در اصل، عهده‌دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش‌های فطرتی است و پدر و مادر پرورش‌دهنده

آن‌ها هستند. در این زمینه، به فرمایش پیامبر گرامی اسلام ﷺ اشاره می‌کنیم که فرمود: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه وینصرانه». (مجلسی، بی تا: ۳/۲۸۱) (هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می‌سازند.)

دین‌داری در عصر ما، نوعی ضرورت است. ایمان راستین، ستونی محکم و تکیه‌گاهی امن، برای همه است تا در حوادث و اتفاقات، به آن متمسک شده و از گمراهی نجات پیدا کنند. کسی که ایمان ندارد، مانند غریقی است که مدام در دریای متلاطم، اسیر تردید و بلا تکلیفی است و هر روز و هر ساعت به عقیده و نظریه‌ای متوسل می‌شود تا شاید از این مهلکه نجات یابد. تقویت دین، به کنترل اضطراب‌های درونی کمک کرده، کنترل فرد را در برابر آلودگی‌ها و گناهان، افزایش داده و با متوجه کردن افراد نسبت به وظایف روزانه خود و تحت ضابطه قراردادن روابط انسانی و اجتماعی، نقشی اساسی در تربیت دارد. همچنین تقویت تمایلات دینی در عصر حاضر به چند دلیل دارای اهمیت است:

۱. گسترش و تبلیغ آلودگی‌ها در جهان امروز؛
 ۲. افزایش خطر اعتیاد به صورت همه‌جانبه؛
 ۳. افزایش تبلیغات مسموم و زهر آگین علیه اسلام؛
 ۴. سوء استفاده از نام دین برای وارد کردن القائات نادرست در مردم؛
 ۵. وجود دوراهی و شک و تردیدهای ناشی از مکتب‌های گوناگون در جهان؛
 ۶. وجود تمایل شدید به بی‌قیدی و آزادی بی‌قید و شرط؛ به خصوص در جوانان.
- پس نیاز به وسیله‌ای برای مهار نفس سرکش و خودخواهی‌های بدون مرز، نیازی ضروری است.

۲- اصول تقویت مبانی و مفاهیم دینی در کودکان

اصول، عبارت است از قواعد و دستورالعمل‌های کلی مبتنی بر تعالیم دینی، پژوهش‌های روان‌شناختی و نظریات دانشمندان تعلیم و تربیت، که به‌منزله راهنمای عمل، در تقویت

مفاهیم دینی در کودکان استفاده می‌شود؛ بنابراین، در این پژوهش، به بررسی این اصول می‌پردازیم.

۲-۱- اصل سهولت

منظور از اصل سهولت این است که در تقویت مفاهیم دینی در کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از زیاده‌روی، خشونت و سخت‌گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی است و نه صرفاً انتقال آگاهی‌های دینی. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره این سخن را تکرار نموده‌اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید (محمدری شهری، ۱۳۷۶: ح ۱۳۱۱) چرا که خداوند مرا سخت‌گیر و سرسخت مبعوث نفرمود؛ بلکه مرا آموزگاری آسان‌گیر مبعوث کرده است». (محمدری شهری، ۱۳۷۶: ح ۱۳۰۸)

شهید مطهری نیز نقل می‌کند:

«پیامبر صلی الله علیه و آله آنگاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «یا معاذُ بَشِّرْ وَ لا تُنْفِرْ وَ یَسِّرْ وَ لا تُعَسِّرْ»؛ می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد؛ کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته‌ای که پیغمبر اشاره کرده این بود که «بَشِّرْ وَ لا تُنْفِرْ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فراری بدهی و متنفر کنی؛ مطالب را طوری تقریر نکن که عکس‌العمل روحی مردم، فرار از اسلام باشد. (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۹)

حال با توجه به اصل آسان‌گیری در آموزش‌های اسلامی، رعایت این اصل در تقویت مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا بنا بر آنچه در بررسی ویژگی‌های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی، اموری است که با فطرت کودک سازگار بوده و نیازی به تحمیل و سخت‌گیری ندارد. سخت‌گیری زمانی است که آموزه‌هایی خلاف خواست فطری کودک، به گونه‌ای برای او ترسیم و تکرار شود که بخواهند آن‌ها را بدون فکر و اندیشه بپذیرد.

علاوه بر این، مفاهیم و آموزه‌های دینی سهل و آسان، زمینه‌های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم نموده و او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه‌مند می‌سازد؛ چنان که خشونت و سخت‌گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات‌بخش آن بدبین نموده و آثار و پیامدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت.

بنابراین، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودک چنان مهم است که ائمه معصومین علیهم‌السلام در سخنان نورانی خویش، والدین را بدان سفارش نموده‌اند. بنا بر مضمون روایتی از امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، والدین باید کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است، بپذیرند و آنچه انجامش بر وی سنگین و تحمل‌ناپذیر است را از او انتظار نداشته باشند. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵/۱۹۹)

۲-۲- اصل تدریج

اصل تدریج و رعایت توان و استعداد کودک از دیگر اصول تعلیم و تربیت است. انسان از زمان تولد تا سنین بزرگ‌سالی، توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره از رشد، با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شود.

قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر نازل شد که خداوند در آیه ۱۰۶ سوره اسراء، به این نکته اشاره می‌فرماید: ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾. (قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم).

مفسران در بیان علل نزول تدریجی آیات قرآن، مطالب فراوانی نوشته‌اند که بررسی همه آن‌ها از حوصله این مقاله بیرون است و در اینجا تنها به دیدگاه علامه طباطبائی اشاره می‌کنیم. به عقیده ایشان، نزول آیات قرآن به تدریج، به دلیل بلوغ و رشد استعداد مردم در تلقی معارف اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن است. (طباطبائی، بی تا: ذیل آیه ۱۰۶ سوره اسراء)

خلاصه آنکه، قرآن با در نظر داشتن سطح درک و فهم مردم، به مرور احکام اسلام را بیان فرموده، به گونه‌ای که فهم و پذیرش آن برای آنان ممکن باشد؛ بنابراین، آموزش مفاهیم

دینی به کودکان باید تدریجی باشد و آنان را به تدریج و آرام آرام با مفاهیم دینی آشنا کرد. در تعالیم اسلامی توصیه‌هایی در این زمینه وجود دارد که ما تنها به ذکر یک روایت اکتفا نموده و نتیجه‌گیری می‌کنیم.

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در حدیث مفصلی آموزش مفاهیم دینی به کودکان را در سنین مختلف بیان فرموده‌اند: «در سه سالگی کلمه توحید، «لا اله الا الله» را به کودک بیاموزید؛ سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ آنگاه «محمد رسول الله» را به او یاد بدهید؛ سپس تا چهار سالگی او را رها سازید و در چهار سالگی، صلوات بر محمد را به او بیاموزید...» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۹۳/۱۵)

بر این اساس، با توجه به توانایی‌های ویژه دوران کودکی در آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج، مسئله مهمی تلقی شده که غفلت از آن، نتایج جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.

تقویت مفاهیم دینی، دارای مراحل و درجاتی است و این مراحل و درجات به دلیل تفاوت در رشد استعدادها، شناختی، عاطفی و انگیزشی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات کودک است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان هر مطلبی را در هر مرحله‌ای آموزش داد؛ بلکه مطالب باید متناسب با سطح فکر و قدرت درک کودک باشد. به عنوان مثال، آموزه‌های وجود خداوند، توحید، معاد و مانند آن‌ها در دوره ابتدایی نمی‌تواند در قالب استدلال‌های پیچیده عقلانی و مفاهیم انتزاعی آموزش داده شود؛ بلکه باید با زبانی ساده، جذاب و آسان بیان شود و مفاهیم انتزاعی، براهین فلسفی و منطقی به دوره‌هایی موقوف شود که استعداد لازم برای فهم آن‌ها در دانش آموزان پدیده آمده باشد.

۲-۳- اصل مداومت و استمرار

از نظر اسلام، تقویت مفاهیم و حقایق دینی، امری است که باید تا پایان عمر استمرار یابد و آدمی تحت تأثیر آن باشد؛ اما دوران کودکی را می‌توان دوران ملازمت و مداومت آموزه‌های دینی از نظر اسلام دانست که باید والدین بر این امر نظارت داشته و کودک را هدایت کنند. در این باره تنها به ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام بسنده می‌کنیم که فرمود: «الْعُلَامُ

يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابِ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ». (کودک به مدت هفت سال باید بازی کند و به مدت هفت سال باید آموزش خواندن ببیند و به مدت هفت سال باید تعلیم حلال و حرام داده شود.) (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۵/۱۹۴)

بنابراین، از روایات اسلامی استفاده می‌شود که آموزش مفاهیم دینی در دوران کودکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. چنانچه آموزه‌های دینی در این دوران انجام نپذیرد، نمی‌توان به آموزش در بزرگسالی امید چندانی داشت. به عبارتی، اهمیت آموزش آموزه‌های دینی به کودک از سویی و طولانی‌بودن دوره پیشرفت ساختار ذهنی و روانی کودک از سوی دیگر، استمرار و مداومت در آموزش مفاهیم دینی به کودک را می‌طلبد؛ از این رو، باید به موازات رشد عقلی و تحول روانی کودک، مفاهیم اعتقادی را به او انتقال داده و از شتاب و فشار بی‌مورد در این امر پرهیز کرد.

۲-۴- اصل آگاهی بخشی

آموزش مبتنی بر بصیرت و آگاهی کودک از اصول اساسی مبانی معرفتی اسلام است. در منابع اسلامی، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که علم و آگاهی را می‌ستاید، مردم را به سوی آن می‌خواند و تشویق می‌کند و از جمود و تقلید کورکورانه و بدون تفکر و تعقل بر حذر داشته و به شدت نکوهش می‌نماید؛ مثلاً، آیه ۱۰۸ سوره یوسف، می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾. (بگو: این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزه است خدا و من از مشرکان نیستم.)

در این آیه، خداوند از انسان‌ها می‌خواهد بر اساس بصیرت و آگاهی رفتار نمایند و دین حق را بپذیرند؛ شیوه دعوت پیامبر ﷺ نیز بر اساس آگاهی است. از این رو، در نظام آموزشی اسلام دیگر جایی برای تحمیل عقیده و القانات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی‌ماند؛ چراکه اصولاً این کارها با مفهوم پذیرش بر اساس بصیرت و آگاهی، به هیچ وجه سازگار نیست. در برخی از روایات نیز بر این نکته تأکید شده که آموزش اگر بر اساس فهم و آگاهی نباشد، چندان سودمند و پایدار نخواهد بود.

روایت علوی زیر نمونه‌ای از این روایات است: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُمٌ، أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهِ تَدَبُّرٌ...». (کلینی، بی تا: ۳۶/۱) (هان! بدانید دانشی که بر اساس اندیشه و آگاهی فراگرفته نشود، خیری ندارد و یادگیری که در آن تدبر نباشد نیز خیری نخواهد داشت).

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی به آموزش بر اساس فهم و آگاهی بخشی تأکید می‌کنند؛ بلکه برخی با تمایز بین مفهوم فهم و بصیرت با حفظ کردن و به‌خاطر سپردن، معتقدند که فهم یا بصیرت، پایه و اساس یادگیری را تشکیل می‌دهد. (شریعتمداری، ۱۳۷۰: ۳۴، ۴۳، ۴۵) از دیدگاه شهید مطهری، هدف در تعلیم و تربیت اسلامی باید دادن رشد فکری به کودک باشد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۴) از دیدگاه برخی دیگر نیز، رشد و تعالی کودک در فرآیند آموزش و پرورش به عمق و معرفت درونی وابسته است، نه افزایش حجم اطلاعات. (کریمی، ۱۳۷۸: ۲۳)

بنابراین، آنچه باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان، مورد توجه معلمان قرار گیرد، تأکید بر درک و آگاهی از مفاهیم است؛ ضمن اینکه حفظ و تکرار و تلقین، شرط لازم آموزش در سنین کودکی است؛ ولی کافی نیست. این حقیقت را می‌توان در کلام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) یافت که می‌فرماید: «فَضَّلُ فِكْرًا وَ تَفَهُمًا أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تِكْرَارٍ وَ دِرَاسَةٍ». (آمدی، بی تا: ح ۶۵۶۴) (یادگیری بر اساس تفکر و فعالیت فکری دانش آموز، به مراتب سودمندتر از تکرار و مرور آن است).

۲-۵- اصل تفاوت‌های فردی

تفاوت‌های فردی از اصول پذیرفته شده در روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و معارف دینی است و به این معناست که همه انسان‌ها با یکدیگر شباهت‌هایی دارند، ولی از حیث ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، بهره هوشی، تأثیر و تأثرات محیطی و صفات شخصیتی با یکدیگر متفاوت‌اند. همین امر موجب می‌شود که هر انسانی، موجود مستقل و تام و فردی خاص باشد. به همین دلیل، یکی از عمده‌ترین مسائل روان‌شناسی، مسئله تفاوت‌های فردی و عوامل آن‌ها است و حتی برخی از روان‌شناسان می‌گویند: روان‌شناسی

غیر از تفاوت‌های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۲) مرحوم محمدتقی جعفری، معلم و دانش‌آموزان را به باغبان و گل‌ها و درختان باغی تشبیه می‌کند که هر یک از درختان و گل‌ها، ویژگی‌ها و نیازهای متفاوتی دارند. نیاز هر کدام به آب‌وهوا و نور و کود، متفاوت است. این باغبان است که باید با دقت کامل نیاز هر یک از آنان را بشناسد، به مقدار لازم آن‌ها را آبیاری نموده و در معرض نور و هوا قرار دهد. (جعفری، بی تا: ۴۴۲)

توجه به تفاوت‌های فردی یکی از اصولی است که پدر و مادر باید با آن آشنا باشند و تقویت مبانی را با آن همگام سازند؛ زیرا «اهمیت دادن به تفاوت‌های فردی، اثربخشی را بیمه می‌کند». (آقازاده و احدیان، ۱۳۷۸: ۱۶۷) بر این اساس، رعایت تفاوت‌های فردی در تقویت مفاهیم دینی در کودکان از اهمیت زیادی برخوردار است. پدر و مادر، به‌ویژه در انتخاب و استفاده از روش‌ها، باید انعطاف بیشتری داشته باشند و در تقویت مفاهیم دینی در کودکان به‌طور یکسان عمل نمایند؛ بلکه متناسب با ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، سوابق خانوادگی و محیطی آنان، از روش‌های گوناگون و مؤثر استفاده نمایند. به‌عنوان نمونه، پدر و مادر می‌بایست بدانند برای برخی از کودکان، انتقال مفاهیم دینی با استفاده از روش شعر و داستان سودمند است، برخی از راه پرسش و پاسخ، زودتر می‌فهمند و برخی دیگر نیاز به مثال و توضیح بیشتری دارند.

۳- روش‌های تقویت مبانی معرفتی دینی

مقصود از روش‌های تقویت مبانی معرفتی دینی در کودکان، فنون، شیوه‌ها و دستورالعمل‌های جزئی است که اهداف و اصول مفاهیم دینی را به ثمر می‌رساند و به آن‌ها عینیت می‌بخشد؛ در واقع، بخش کاربردی فرایند تقویت مفاهیم دینی، شیوه‌ها و روش‌های آن است. به‌عبارتی، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند، تعیین و تشخیص روش‌های تقویت مفاهیم دینی و استفاده و به‌کارگیری صحیح و مناسب آن، به‌ویژه برای کودکان است. از این رو، در این بخش، با توجه به ویژگی‌های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان،

به بررسی این روش‌ها می‌پردازیم.

۳-۱- روش استفاده از مثال

یکی از روش‌های مهم و مؤثر در آموزش و تقویت مفاهیم دینی در کودکان دبستانی، استفاده از مثال است. استفاده از مثال‌های متنوع، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی، ضعیف و یا در سطح پایینی هستند، آسان می‌کند. به عبارتی، در بیان مطالب علمی و عقلی، استفاده از مثال بهترین روش برای آشکار ساختن هر چه بیشتر مطالب، تفهیم ساده‌تر و در نتیجه، درک بهتر و سریع‌تر آن‌هاست.

از این رو، استفاده از مثال، شیوه‌ای قرآنی است. قرآن کریم با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال‌های سودمند، به گونه‌ای در ذهن مخاطب، ملموس و مجسم می‌سازد تا به این ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار شود و آنان به خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند. (ر.ک. اسماعیلی، ۱۳۶۸: ج ۲ و ۳) پیامبر مکرم اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه‌های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال‌آوری بهره برده‌اند.

اگرچه اعتقاد به خدا و دین در کودکان فطری است و نیازی به اثبات ندارد، اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند و در سنین دبستان می‌توان مسائل را به زبانی ساده مطرح کرد؛ بنابراین، استفاده از مثال، یکی از روش‌های مناسب در آموزش مفاهیم دینی و اصول اعتقادی به کودکان است؛ زیرا گاه می‌توان با ذکر مثالی مناسب و هماهنگ با مقصود، مطلب و مفهوم عمیق دینی را آسان و برای کودکان، فهم و درک‌پذیر نمود. از این رو، پدر و مادر می‌توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی اسلام را در پرتو مثال‌هایی ساده و محسوس و ملموس، در حد توان کودکان به آنان آموزش دهند.

۳-۲- روش قصه‌گویی

زبان قصه یا داستان یکی از مناسب‌ترین روش‌های آموزش و تقویت مفاهیم دینی در کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان هستند و این سبب می‌شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از

داستان‌های مناسب بیشتر باشد، تأثیر آن و رسیدن به هدف‌های موردنظر، ساده‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد.

در اهمیت این روش و بهره‌گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه، برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه‌های دینی را در قالب بهترین قصه‌ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است؛ مثلاً، در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی (علیهم‌السلام) حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می‌شود، در داستان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) توحید و یگانگی خداوند اثبات شده و در داستان عزیر، کیفیت معاد بیان گردید است.

از آنجا که قصه و داستان، آموزه‌ها و حقایق آموزشی را به‌طور غیرمستقیم بیان می‌کند، از نظر روان‌شناسی تربیتی نیز یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزشی به حساب می‌آید؛ بنابراین، پدر و مادر در آموزش مفاهیم دینی به کودکان می‌توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی دین اسلام، از قبیل مسئله توحید، نبوت، امامت و معاد را در صورت لزوم در قالب داستان‌های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی کودک بیان کنند.

۳-۳- روش یادآوری نعمت‌های الهی

خداوند متعال نعمت‌های مادی و معنوی فراوانی برای بشر آفریده است. به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت‌های خویش نموده و همه‌نوع نعمت در اختیار او قرار داده است. در قرآن، نعمت‌های الهی بر دو گونه‌اند: نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی؛ چنان که قرآن کریم در آیه ۲۰ سوره لقمان، می‌فرماید: ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾. (نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به‌طور فراوان بر شما ارزانی داشته است).

در اینکه منظور از نعمت‌های «ظاهر» و «باطن» در آیه چیست، مفسران بسیار سخن گفته‌اند. در احادیثی که از پیامبر مکرم اسلام و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نقل شده، نعمت ظاهری را رزق، آفرینش نیکو، توحید، نبوت و اسلام و نعمت باطنی را ولایت و مودت اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) دانسته‌اند. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲۲ و ۴۷) از سوی دیگر، قرآن کریم در آیاتی چند

به یادآوری نعمت‌های الهی سفارش کرده است. برای مثال، در آیه ۳ سوره فاطر، می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾. (ای مردم، به یاد آورید نعمت‌های خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟)

همچنین یکی از روش‌های تربیتی پیامبران الهی، یادآوری نعمت‌های الهی است تا به این وسیله گرایش انسان‌ها به سوی صاحب نعمت را برانگیزند و سپاسگزاری از نعمت‌دهنده را، که از گرایش‌های ریشه‌دار و فطری انسان است، در آنان بیدار سازند.

از این رو، در دوره کودکی با توجه به تمایلات فطری و گرایش‌های ذاتی پاک و دست‌نخورده کودکان، بهتر می‌توان از روش یادآوری نعمت‌های الهی در آموزش و تعمیق بینش الهی آنان استفاده کرد.

یادآوری نعمت‌های خداوند می‌تواند به تقویت و تعمیق شناخت کودک در مسئله خداشناسی کمک کند تا بتواند ولی نعمت خود را بشناسد و وظایف خود را از قبیل شکرگزاری و ایمان به او، ایفا کند. با یادآوری نعمت‌های الهی می‌توان ذهن کودک را به خدای مهربان متوجه کرد و میل و گرایش او را نسبت به خدایی که همه چیز را آفریده و به همه کمک می‌کند، جلب نمود.

بر این اساس، در آموزش و تقویت خداشناسی و معاد در کودکان، باید بیشتر بر محبت و عشق الهی به همه انسان‌ها و به‌ویژه نیکوکاران و دادن پاداش و نعمت‌های بهشتی به آنان در روز قیامت تأکید کرد و آنان را نسبت به خدا و رحمت او امیدوار و علاقه‌مند ساخت و از بیان عذاب و رنج دوزخ، که زندگی پس از مرگ را به گونه‌ای وحشتناک و دهشت‌انگیز ترسیم می‌کند، خودداری کرد.

۳-۴- روش نمایشی (نمادین)

منظور از نمایش، مجسم کردن و به‌صورت مشهود و محسوس درآوردن پیام‌ها و آموزه‌هاست. روش نمایشی یکی از روش‌های آموزشی است که دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای

بوده و از راه آن می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد. نمایشی کردن مفاهیم عقلی و انتزاعی، به‌ویژه برای کودکان با توجه به غلبه برخورد حسی آنان، موجب می‌شود که این‌گونه مطالب، بهتر درک شود و یادگیری عمیق‌تری صورت پذیرد. معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده‌اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه، تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کنند.

اصولاً استفاده از روش نمایشی و به صورت محسوس و مشهود در آوردن مفاهیم و مسائل آموزشی، از جمله روش‌هایی است که در قرآن کریم نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. قرآن کریم با استفاده از روش نمایشی توانسته اصول اعتقادی را اثبات و برای عموم مردم قابل درک و فهم نماید؛ مثلاً هنگامی که در صدد تقویت ایمان مخاطبان به زندگی پس از مرگ و مسئله معاد است، به ارائه نمونه‌های مشابه حسی و قابل مشاهده در این دنیا می‌پردازد؛ یکی از نمونه‌های عینی که قرآن مجید بارها به آن پرداخته و برای اثبات این امر در برابر چشم همگان به معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد گیاهان است.^۱

علاوه بر تعالیم وحی، معصومان (علیهم‌السلام) نیز در پاره‌ای از موارد برای محسوس و مجسم نمودن مفاهیم و حقایق دینی از روش نمایشی استفاده کرده‌اند. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در موارد متعددی، مانند آموزش نماز و حج، از این روش استفاده نموده و به مردم می‌فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي». (مجلسی، بی تا: ۲۷۶/۸۵) (نماز بگزارید، آن گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم). در حدیثی آمده است که روزی عده‌ای از بزرگان یهود به مدینه آمدند و از حضرت علی (علیه‌السلام) در مورد خدا سؤالاتی پرسیدند؛ از جمله درباره معنی جمله ﴿إِنَّمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾؛ یعنی چطور ما به هر طرف رو کنیم، به طرف خدا هستیم؟ حضرت علی به ابن عباس دستور دادند هیزمی آماده نموده و آتشی را برافروزند؛ آنگاه از آنان سؤال کردند: صورت آتش به کدام جهت است؟ گفتند: ما که برای شعله آتش صورتی نمی‌یابیم؛ یعنی

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به مضامین این آیات توجه کنید: ق، ۹ و ۱۱ / روم، ۱۹ و ۵۰ / حج، ۵ و ۶ / فصلت، ۳۹ / فاطر، ۹ / اعراف، ۵۷.

شعله آتش که پشت‌ورو ندارد. آنگاه حضرت فرمودند: «كَذَلِك رَّبِّي إِنَّمَا تَوَلَّوْا فِثْمَ وَجْهِ اللَّهِ». (همان گونه که شعله پشت‌ورو ندارد و شما در هر طرف آن باشید، روبه‌روی آن هستید، خدا نیز پشت‌ورو ندارد.) (الدیلمی، ۱۳۷۵: ۱۷۵)

بنابراین، طبیعی است که جنبه آموزشی روش نمایشی، مؤثرتر و پرجاذبه‌تر از روش گفتاری صرف است؛ چراکه روش نمایشی هم‌زمان گوش و چشم مخاطب را به کار می‌گیرد. از این رو، در آموزش مفاهیم دینی به کودکان لازم است تا آنجا که امکان دارد مواد و مطالب آموزشی به صورت نمایشی ارائه شود.

بسیاری از مفاهیم دینی اعم از اصول و مبانی ارزشی، اعتقادی و احکام عملی با استفاده از روش نمایشی آموزش‌پذیر است؛ مثلاً، در ارتباط با خداشناسی، پدر و مادر می‌توانند کودک را به نزدیک ساختمانی که عده‌ای مشغول ساخت و تکمیل آن هستند ببرند تا با مشاهده زحمات و تلاش‌های فراوانی که برای بنای آن صورت می‌گیرد، به این نتیجه برسند که وقتی ساختمانی به این کوچکی و بساطت، نیازمند سازنده‌ای است، پس این زمین و آسمان‌ها و دیگر مخلوقات عالم که بسیار عظیم‌تر و شکوهمندتر هستند، محتاج خالق آگاه و توانا هستند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در میان اصول مطرح‌شده، آنچه بسیار مهم است، اصل آگاهی‌بخشی در آموزش مفاهیم دینی است. در دیدگاه اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه‌های اعتقادی، اموری است که با سرشت اولیه و دست‌نخورده کودک و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است؛ چنان‌که آیه ۳۰ سوره روم، خود شاهدهی بر همین دست‌مایه‌های فطری است. فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که قبل از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که می‌تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطرة...» (مجلسی، بی تا: ۲۸۱/۳) نیز بر همین امر دلالت دارد.

بر این اساس، تقویت مفاهیم دینی در کودکان، علی‌رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی مناسب نمی‌دانند، ممکن و اجرashدنی است؛ زیرا ما در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هرگز به دنبال اضافه‌نمودن مطلبی بیرون از وجود کودک نیستیم؛ بلکه غرض از آموزش، اعطای بینش و آگاهی، یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که در سرشت کودک نهاده شده و فطری اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و آموزه‌های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی برای خشونت و سخت‌گیری، تحمیل عقیده، القانات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی‌ماند؛ چراکه این کارها با آموزش بر اساس فهم و آگاهی، به هیچ‌وجه سازگار نیست.

از این رو، مهم‌ترین اصلی که باید در جریان آموزش و تقویت مبانی و مفاهیم دینی در کودکان مورد توجه پدر و مادر قرار گیرد، اصل آگاهی‌بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به این اصل مهم و اساسی اجرashدنی است؛ اما در میان روش‌های مطرح‌شده نیز، آنچه بسیار مهم است، استفاده از روش نمایشی در آموزش مفاهیم دینی است. تجربه‌های آموزشی ثابت کرده است که مفاهیم و آموزه‌هایی که با استفاده از روش نمایشی آموزش داده می‌شود، علاوه بر سهولت در یادگیری، از جهت کیفی نیز بهتر و پایدارتر است. استفاده از روش نمایشی از روزگاران پیشین در مراسم‌های دینی و اعتقادی نقش داشته و مانند زبانی

مناسب برای بیان حالت و ویژگی‌های عاطفی و باورهای اعتقادی به کار رفته است. در جامعه و قبیله‌های ابتدایی، مراسم دینی بیشتر با استفاده از روش نمایشی بوده؛ تا آنجا که تاریخچه نمایش و تئاتر امروزی به مراسم و آیین‌های مذهبی بازمی‌گردد. همچنین به دلیل آنکه کودکان ظرفیت درک و دریافت حقایق انتزاعی را ندارند، از این رو، با استفاده از روش نمایشی می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به آنان آموزش داد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آقازاده، محرم و محمد احدیان، ۱۳۷۸، راهنمای روش‌های نوین تدریس، تهران: آیش.
۲. آمدی، ابوالفتح، بی تا، غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتاب الاسلامی.
۳. ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، تحف العقول، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، تهران.
۴. جعفری، محمدتقی، بی تا، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، تهران: اسلامی.
۵. حر عاملی (شیخ)، ۱۴۱۴، وسایل الشیعه، آل‌البیت.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، بی تا، دانش‌نامه قرآن و قرآن‌شناسی، تهران: دوستان و ناهید.
۷. الدیلمی، حسن، ۱۳۷۵، ارشاد القلوب، پژوهش سیدهاشم میلانی، ج ۲، قم: دار الأسوه.
۸. شریعتمداری، علی، ۱۳۹۳، روان‌شناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر.
۹. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ۱۳۷۲، روان‌شناسی، تهران: اطلاعات.
۱۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی تا، المیزان، بی جا.
۱۱. کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۷۸، کودک و مدرسه، تهران: تربیت.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، اصول کافی، قم: دارالحدیث.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الانوار، دارالکتاب الاسلامیه.
۱۴. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۶، العلم والحکمه فی الکتاب والسنه، قم: دار الحدیث.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، سیری در سیره نبوی، صدرا.
۱۶. -----، ۱۳۷۴، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: صدرا.